

مشارکت ورزشی دختران دانشجو و عوامل اجتماعی موثر بر آن (مورد مطالعه: دانشجویان دانشگاه شهید باهنر کرمان^۱)

الهه قربانی^۱، سعیده گروسی^۲

(تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۹/۱۱، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۴/۲۷)

چکیده

هدف از این مطالعه، بررسی میزان مشارکت ورزشی دختران دانشجو و شناخت عوامل اجتماعی موثر بر آن است. مشارکت ورزشی به هر نوع فعالیت بدنی ملایم تا شدید که افراد در خانه، مدرسه یا اجتماع انجام می‌دهند گفته می‌شود. بررسی مشارکت ورزشی دختران دانشجو از آن رو اهمیت دارد که تحقیقات قبلی نشان می‌دهد نسبت قابل توجهی از دختران در ایران ورزش نمی‌کنند. چارچوب نظری مورد استفاده در این تحقیق، چارچوبی ترکیبی است که بر متغیرهای تعیین کننده میزان مشارکت ورزشی تمرکز می‌کند. روش پژوهش، پیمایش و ابزار گردآوری اطلاعات پرسشنامه بوده است. جامعه آماری این تحقیق ۷۷۰۰ نفر دانشجویان دختر دانشگاه شهید باهنر کرمان است که ۳۸۱ نفر از آنان به عنوان نمونه انتخاب شدند. از شیوه نمونه‌گیری سهمیه‌ای برای انتخاب نمونه‌ها استفاده شد. نتایج نشان داد که ۵۱/۴ درصد دانشجویان مورد مطالعه مشارکت ورزشی قهرمانی متوسطی داشته‌اند، ۴۷/۲ مشارکت ورزشی همگانی متوسطی داشته‌اند و ۴۵/۴ درصد، مشارکت ورزشی حرفه‌ای پایینی داشته‌اند. بر اساس نتایج آزمون‌های استنباطی، سرمایه اجتماعی، جامعه پذیری ورزشی، هزینه‌های ورزشی و حمایت اجتماعی به ترتیب مهمترین متغیرهای اثرگذار بر میزان مشارکت ورزشی دانشجویان دختر هستند. نتایج رگرسیون چند متغیره حاکی از آن است که متغیرهای مستقل، حدود ۷۰ درصد از تغییرات متغیر وابسته را تعیین می‌کنند. همچنین بر اساس نتایج پژوهش، کاهش بار مسئولیتهای شغلی و خانوادگی نقش مهمی در بهبود مشارکت ورزشی دختران جوان دارد.

واژه‌های کلیدی: مشارکت ورزشی، سرمایه اجتماعی، حمایت اجتماعی، جامعه پذیری ورزشی، هزینه ورزشی.

Doi: <https://doi.org/10.22034/JSS.2023.552837.1689>

* مقاله علمی: پژوهشی

^۱ کارشناسی ارشد مطالعات زنان، گروه علوم اجتماعی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شهید باهنر کرمان.
^۲ عضو هیات علمی گروه علوم اجتماعی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شهید باهنر کرمان (نویسنده مسئول):
sgarousi@uk.ac.ir

مجله مطالعات اجتماعی ایران، دوره هفدهم، شماره ۱، بهار ۱۴۰۲، ص ۹۵-۷۳

مقدمه و بیان مساله

هر نوع فعالیت جسمانی می‌تواند به بهبود سلامت و ارتقای شاخص‌های سلامت جسمانی و روانی کمک کند. کاهش احتمال ابتلا به برخی بیماری‌ها نظیر سرطان و در نتیجه افزایش سالهای عمر از نتایج فعالیتهای جسمانی است. مشارکت ورزشی به عنوان یکی از مؤلفه‌های فعالیت بدنی تقویت‌کننده سلامت، موضوعی مهم در بهداشت عمومی است.

مشارکت ورزشی به معنای شرکت آگاهانه افراد در امر ورزش است. همچنین مشارکت ورزشی به هر نوع فعالیت بدنی ملایم تا شدید که افراد در خانه، مدرسه یا اجتماع انجام می‌دهند گفته می‌شود. به نظر می‌رسد موقعیت اجتماعی و مشارکت فرد در فعالیتهای ورزشی با یکدیگر مرتبط هستند (بورديو^۱، ۱۹۷۸). در این راستا، در تحقیقات مختلف عوامل زیر برای تأثیرگذاری بر مشارکت ورزشی مورد توجه قرار گرفتند: محدودیت‌های سنی، هنجارهای جنسیتی که منجر به نرخ‌های بالاتر مشارکت برای مردان نسبت به زنان می‌شود، فرصت‌ها یا محدودیت‌های ناشی از پیشرفت تحصیلی و همچنین تفاوت‌های ملی در امکانات زیرساختی و فرهنگی (ویلسون^۲، ۲۰۰۲).

تحقیقات متعدد نشان می‌دهد که مشارکت ورزشی زنان در مقایسه با مردان کمتر است (ون مچلن و همکاران^۳، ۲۰۰۰). اگر چه آمار دقیقی درباره میزان مشارکت ورزشی زنان در ایران وجود ندارد ولی نتایج یکی از تحقیقات نشان می‌دهد که ۴۱/۲ درصد از زنان ایرانی کم و بیش فعالیت ورزشی انجام می‌دهند و فقط ۱۵/۸ درصد آنها به باشگاه ورزشی مراجعه می‌کنند (احمدی و کارگر، ۱۳۹۲: ۳). به طور کلی مشارکت ورزشی دختران جوان ایرانی نسبت به پسران هم سن خود کمتر است (ضیاءپور و کیانیپور، ۱۳۹۱: ۹۲). البته در سالهای اخیر تعداد بیشتری از خانواده‌ها متأثر از تغییرات فرهنگی جامعه، به مشارکت زنان در امور اجتماعی و فرهنگی گرایش یافته‌اند (نور علی وند و همکاران، ۱۳۹۵). بر اساس مطالعات موجود، جایگاه طبقاتی، درآمد اقتصادی، استفاده از رسانه‌ها، میزان و کیفیت سرمایه اجتماعی و فرهنگی، میزان تحصیلات و افزایش مشارکت در جامعه از جمله مواردی است که مشارکت ورزشی زنان را تحت تأثیر قرار می‌دهد. به عبارت دیگر در جوامعی که زمینه اجتماعی مناسب فراهم باشد زنان بیشتر به ورزش رو می‌آورند. (کیلپاتریک^۴ و همکاران، ۲۰۰۵)

¹ Bourdieu

² Wilson

³ VanMechelen

⁴ Kilpatrick

فرهنگ رایج در جامعه عمیقا بر تمایل زنان به ورزش تاثیر می‌گذارد (لار^۱ و همکاران، ۲۰۱۸). عدم تاکید جامعه بر ورزش زنان، می‌تواند آن را از امری ضروری و همگانی به امری اختیاری و خاص تبدیل کند و در نتیجه تشویقی برای مشارکت ورزشی زنان صورت نگیرد.

کرمان پهناور ترین استان ایران است. طبق اعلام سازمان ورزش و جوانان استان کرمان آمار کل ورزشکاران سازمان یافته در سال ۱۳۹۷، ۱۱۰ هزار و ۱۵۰ نفر است که نسبت به سال ۱۳۹۶، ۲۱ هزار و ۷۳۹ نفر افزایش داشته است. در حوزه زنان ۲۰ هزار و ۷۶۶ نفر ورزشکار سازمان یافته در شش ماه اول سال ۱۳۹۷ گزارش شده که این رقم در سال ۱۳۹۸ به ۲۴ هزار و ۱۱۸ نفر افزایش یافته است. این میزان در مقایسه با جمعیت زنان در استان، بسیار کم است. به همین دلیل بررسی میزان مشارکت زنان در فعالیت ورزشی و عوامل اجتماعی مؤثر بر آن حائز اهمیت است. مشارکت ورزشی همانند هر پدیده اجتماعی دیگر متأثر از شرایط زمانی و مکانی است لذا انجام این تحقیق در این استان ضروری به نظر می‌رسد. از سوی دیگر مطالعه دانشجویان دختر که نماینده زنان جوان تحصیلکرده محسوب می‌شوند می‌تواند مشارکت ورزشی زنان جوان و تحصیلکرده را نمایش دهد. نتایج این تحقیق می‌تواند به افزایش اطلاعات در زمینه ورزش زنان در این استان کمک کرده و با توجه به تنوع فرهنگی - اجتماعی ایران، سیاستگذاران حوزه ورزش از آن استفاده کنند. این تحقیق در پی پاسخگویی به سوالات زیر است:

- میزان مشارکت ورزشی در بین دختران دانشجو دانشگاه شهید باهنر چقدر است؟
- کدام عوامل اجتماعی بر میزان مشارکت ورزشی دختران دانشجو تاثیر می‌گذارد؟

پیشینه تجربی پژوهش

در این قسمت تحقیقاتی که به مشارکت ورزشی زنان و عوامل مؤثر بر آن پرداخته اند، بررسی شده است. اکثر تحقیقات موجود در زمینه مشارکت ورزشی زنان، مشارکت ورزشی زنان جوان بویژه دختران دانش آموز و دانشجو را مطالعه کرده اند.

وحیدا و همکاران (۱۳۸۵) به بررسی تاثیر حمایت اجتماعی بر مشارکت زنان در فعالیتهای ورزشی پرداختند. داده‌های این پژوهش از ۳۶۰ نفر که بین سنین ۲۵ تا ۴۰ سال داشتند و ساکن در سیزده شهر از شهرهای استان مازندران بودند انتخاب شده، جمع آوری گردید. نتایج، تفاوت معنادار مشارکت کنندگان در فعالیتهای ورزشی را با توجه به نوع حمایت اجتماعی بعمل

¹ Laar

آمده از زنان برای مشارکت در فعالیت‌های ورزشی نشان داده است. نتایج تحلیل رگرسیون نشان داده است که چهار متغیر، ورزش کردن اعضای خانواده، ورزش کردن نزدیکترین دوست، درآمد و سودمندی ورزش در مرحله اول و حمایت اجتماعی در مرحله دوم توانسته‌اند ۱۵,۹ و ۲,۱ درصد از واریانس متغیر مشارکت زنان در فعالیت‌های ورزشی را تبیین نمایند.

احمدی و کارگر (۱۳۹۲) در تحقیقی در شهر جهرم سعی کردند عوامل روانی - اجتماعی موثر بر مشارکت ورزشی زنان ۱۵ تا ۳۰ ساله را با روش پیمایش شناسایی کنند. آنها معتقدند که نگرش زنان به مشارکت ورزشی در سطح پایینی قرار دارد. نتایج تحلیلی نشان داده که اعتماد اجتماعی بر مشارکت ورزشی اثر گذار است. دو متغیر سن و اعتماد نهادی به ترتیب قوی ترین پیش بینی کننده‌ها هستند.

نقدی و همکاران (۱۳۹۰) به بررسی موانع مشارکت ورزشی زنان پرداختند. برای مطالعه مشارکت زنان در ورزش از مدلی ترکیبی استفاده کردند. روش پژوهش پیمایشی و حجم نمونه ۲۰۰ نفر از زنان غیر ورزشکار ۲۰- ۴۰ ساله شهر همدان و یک گروه ۵۰ نفری از زنان ورزشکار بوده است. نتایج نشان داد پایگاه اقتصادی اجتماعی، میزان سرمایه فرهنگی، تمایل فردی و حمایت اجتماعی زنان ورزشکار بیشتر از زنان غیر ورزشکار است.

موسوی و همکاران (۱۳۹۳) به بررسی رابطه اعتماد اجتماعی و مشارکت ورزشی زنان در جامعه شهری گرگان پرداختند. روش تحقیق، پیمایش و جامعه آماری، زنان ۱۸ سال به بالای شهر گرگان بود. نتایج به دست آمده در این تحقیق به این صورت بوده است که: بین متغیر اعتماد نهادی و متغیرهای جمعیت‌شناختی شامل سن، وضعیت تأهل، تعداد فرزندان (هم دختر و هم پسر)، سطح تحصیلات والدین، شغل پدر، مکان سکونت در شهر و استفاده از وسایل ارتباط جمعی با مشارکت زنان در فعالیت‌های ورزشی رابطه معنی‌داری داشته است.

تحقیق منوچهری نژاد و همکاران (۱۳۹۴) با هدف بررسی تاثیر سرمایه اجتماعی خانواده بر دانش آموزان نوجوان دختر و پسر پایه سوم دبیرستان‌های دولتی شهر رشت انجام شد. نتایج نشان داد روابط درون خانواده و حمایت درون خانواده، میزان مشارکت ورزشی دانش آموزان دختر نوجوان را پیش بینی می‌کند.

نورعلی وند و همکاران (۱۳۹۵) تحقیقی با هدف شناخت نقش سرمایه اجتماعی در تبیین مشارکت ورزشی زنان انجام دادند. این تحقیق با استفاده از روش پیمایش انجام گرفت. جامعه آماری تحقیق زنان ۱۹ سال و بالاتر استان ایلام بود. نتایج تحلیلی تحقیق حاکی از این است که

مشارکت اجتماعی و اعتماد اجتماعی توانسته اند به ترتیب ۰/۲۶۸ و ۰/۳۶۶ و در مجموع به طور معناداری تا ۰/۵۹ از واریانس مشارکت ورزشی زنان را پیش بینی نمایند. اوگیدان^۱ و همکارانش (۲۰۱۳) در پژوهش خود به بررسی عوامل اجتماعی-فرهنگی مؤثر بر مشارکت زنان در دانشجویان زن در دانشگاه ایلورین^۲ پرداختند. دوپست دانشجوی دختر مقطع کارشناسی در این مطالعه شرکت کردند. آنان به این نتیجه رسیدند که فرهنگ، پیشینه خانوادگی، مذهب، گروه همسالان، مشوقهای دولتی و کمک هزینه‌های مالی عوامل مهم در تعیین میزان مشارکت دختران دانشجو در امور ورزشی است.

سونگ اون پارک^۳ و همکاران (۲۰۱۸) تحقیقی روی دانشجویان زن کره ای انجام دادند. از نظر آنها دانشجویان زن کره ای نسبت به هم‌تایان خود، میزان مشارکت کمتری دارند. هدف این مطالعه ترکیب سه نوع نیاز روانشناختی در نظریه رفتار برنامه‌ریزی شده برای پیش‌بینی مشارکت ورزشی در بین دانشجویان دختر کالج کره‌ای بود. نمونه‌ها شامل دخترانی بود که در مقطع کارشناسی در دانشگاه کیونگ هی در کره جنوبی تحصیل می‌کردند. با استفاده از مدل‌سازی معادلات ساختاری، تأثیر مستقیم و غیرمستقیم نگرش، هنجار ذهنی، کنترل رفتاری ادراک‌شده^۴ و رضایت‌های روان‌شناختی مانند شایستگی، ارتباط، و استقلال مورد بررسی قرار گرفت. بر اساس نتایج تحقیق، اگرچه نگرش و کنترل رفتاری درک شده بر مشارکت ورزشی به طور معناداری با نیت فرد از مشارکت ورزشی در هر سه مدل مرتبط بود، هنجار ذهنی با نیت فرد از مشارکت ورزشی در هیچ مدلی ارتباط معناداری نداشت.

ایم^۵ و همکاران (۲۰۲۰) اندازه‌گیری و تجزیه و تحلیل مشارکت ورزشی برای درک روندها و به دنبال آن تصمیم‌گیری آگاهانه در رابطه با سیاست‌ها و استراتژی‌های ورزشی را انجام دادند. این مطالعه الگوهای مشارکت در ورزش باشگاهی دختران را طی یک دوره ۷ ساله در استرالیا شناسایی کرد. تقریباً یک سوم از دختران به طور مداوم برای ۷ سال ورزش کردند. این نسبت با افزایش سن، کاهش یافته است. نویسندگان تأکید می‌کنند باید راهبردهایی برای حفظ مشارکت ورزشی دختران و زنان جوان در دوران نوجوانی توسعه یابد.

¹ Ogidan

² Ilorin.

³ Sung-Un Park

⁴ perceived behavioral control

⁵ Eime

ویلسون^۱ و همکارانش (۲۰۲۰) در یکی از دانشگاههای بزرگ شمال شرق ایالات متحده آمریکا تحقیق کیفی انجام دادند تا بدانند موانع اصلی مشارکت دختران در فعالیتهای بدنی چیست. دختران فعالیتهای تقویت کننده عضلانی کمی انجام میدادند و همچنین در ورزش غیررسمی کمتر مشارکت داشتند. زنان همچنین گزارش دادند که در استفاده از امکانات ورزشی دانشگاه راحت نیستند. حضور مردان، تردید نسبت به تواناییهای خود و قضاوت دیگران به عنوان موضوعهای غالبی که ناراحتی زنان را توضیح میداد، نشان داده شد.

کاربالوفازانس^۲ و همکاران (۲۰۲۰) پژوهشی انجام دادند تا عوامل تعیین کننده عملکرد بدنی و همچنین رفتار بی تحرکی در بین دانشجویان را بررسی کنند. در مجموع ۶۰۸ دانشجو (۶۴٫۶ درصد زن) از یک دانشگاه در اسپانیا به روش نمونه گیری تصادفی انتخاب شدند. ۶۹٫۶ درصد دانشجویان فعالیت بدنی داشتند. دلایل اصلی ارائه شده، حفظ تناسب اندام و سلامتی بود. رابطه بین انجام فعالیت بدنی و مشارکت ورزشی بستگان (والدین، مادر، شریک زندگی، خواهر و برادر بزرگتر و دوستان) در فعالیت بدنی دیده شد.

سنز^۳ و همکاران (۲۰۲۱) تحقیقی روی دانشجویان دختر و پسر انجام دادند تا رابطه جنس، میزان رضایت و مشارکت ورزشی را در بین دانشجویان بررسی نمایند. نمونه شامل ۱۰۹۹ دانشجوی بین ۱۸ تا ۲۹ سال بود. انگیزه ورزشی، تعداد ساعات فعالیت بدنی در هفته و میزان رضایت از ورزش، مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. تفاوتهای قابل توجهی در تنظیم درونی و بیرونی یافت شد.

هول^۴ و همکاران (۲۰۲۱) به مطالعه ادراک دختران جوان و ارائه دهندگان ورزش از نظر عوامل مؤثر بر مشارکت ورزشی دختران اقدام کردند. مصاحبههای کانونی با چهار مدیر ورزشی و ۲۱ دختر ورزشکار انجام شد. در سطح سازمانی، هم دختران و هم مدیران توافق داشتند که مدارس و دانشگاهها فرصتها و همچنین موانعی را برای مشارکت در فعالیت بدنی و ورزش ارائه می دهند. در سطح سیاست گذاری، مسائل مربوط به بودجه به عنوان مانع اصلی مطرح شد.

چابان^۵ و همکاران (۲۰۲۱) در مروری سیستماتیک روی مقالات منتشر شده از سال ۲۰۰۸ تا ۲۰۲۰ به اکتشاف موانع و مشوقهای فعالیتهای ورزشی در بین زنان و مردان ساکن خاورمیانه

¹ Wilson

² Carballo-Fazanes

³ Sáez

⁴ Hull

⁵ Chaabane

و شمال آفریقا اقدام کردند. فقدان امکانات ورزشی مناسب، زمان، حمایت اجتماعی، انگیزه، جنس، هنجارهای فرهنگی، هوای سخت و آب و هوای گرم شایع ترین موانع گزارش شده برای فعالیت بدنی بودند. عوامل اجتماعی و جمعیت شناختی که با مشارکت در فعالیت بدنی رابطه منفی دارند عبارتند از سن بالا، زن بودن، تحصیلات کمتر و متاهل بودن.

همانگونه که در مرور ادبیات تجربی تحقیق مشخص است در اکثر تحقیقات انجام شده در حوزه مشارکت ورزشی محققان بر روی متغیرهای مستقلی نظیر سرمایه اجتماعی، حمایت اجتماعی، اعتماد اجتماعی، جامعه پذیری ورزشی، احساس امنیت و هزینه‌های ورزشی تاکید کرده‌اند؛ تعداد محدودی از آنها نیز به طور همزمان تاثیر این عوامل بر مشارکت ورزشی را بررسی کرده‌اند. تحقیق حاضر تاثیر این عوامل را به طور همزمان بررسی می‌نماید.

چارچوب نظری پژوهش

در این تحقیق سعی شده چارچوب نظری مورد استفاده تا حد امکان به تبیین عوامل ساختاری و بین فردی بپردازد. جامعه پذیری به فرایندی اطلاق می‌شود که مردم از طریق آن فرهنگ، نقشها و هنجارهای موجود در یک جامعه را به منظور به کارگیری آنها در زندگی می‌آموزند (هوی و میسکل^۱، ۲۰۰۸). جامعه پذیری هنجارها یعنی آموختن رفتارهای مناسب و مورد انتظار جامعه به منظور توانایی برقراری روابط متقابل اجتماعی. بیرچوود^۲ و همکاران (۲۰۰۸) از شواهد موجود چنین استنباط می‌کنند که این فرهنگ خانواده است که اساساً تمایل پایدار فرد به ورزش را تعیین می‌کند. از این جهت به نظر می‌رسد، در کودکی، افراد چیزی شبیه به «عادتواره» بورديو به دست می‌آورند که از طریق اجتماعی شدن در خانواده به ایشان منتقل می‌شود. رویدادها و تغییرات در طول زندگی می‌تواند با افزایش یا کاهش مشارکت ورزشی همراه باشد. تجربه جامعه پذیری فرد تاثیرات بزرگی در عملکردهای آتی وی دارد. فرد در جریان جامعه پذیری می‌تواند نگرش نسبت به ورزش و تاثیرات آن را هم جذب نماید (مارش^۳ و همکاران، ۲۰۱۵). خانواده قوی ترین نهاد جامعه پذیری است. این احتمال وجود دارد که مشارکت ورزشی تحت تاثیر تقویت افراد مهم مانند اعضای خانواده قرار گیرد (مارش و همکاران، ۲۰۱۵). محرک اولیه برای علاقه مند شدن به ورزش از همسالان درگیر در ورزش دریافت می‌شود. علاوه بر این، این محرک

¹ Hoy and Miskel

² Birchwood

³ Marsh

زمانی قوی‌تر می‌شود که در محیط خانواده هم افراد علاقمند به ورزش، فرد را به ورزش تشویق کنند. در واقع یک نوع هم‌گرایی و هم‌افزایی بین تاثیر خانواده و تاثیر دوستان بر تمایل و گرایش افراد به ورزش وجود دارد (هانگ^۱ و همکاران، ۲۰۱۹). برخی تحقیقات نشان می‌دهند همسالان و مربیان و کادر آموزشی مهم‌ترین عوامل جامعه‌پذیری ورزشی محسوب می‌شوند. وجود مربیان علاقمند به ورزش، اهمیت دادن به ورزش دانش‌آموزی و مسابقات و فراهم کردن امکانات ورزشی، مشوقهای مهمی هستند که مدرسه در اختیار افراد قرار می‌دهد (پاپ^۲، ۲۰۲۰). یک جنبه خاص‌تر از جامعه‌پذیری، مفهوم الگوهای نقش است که نگرش‌ها، ارزش‌ها و پاسخ‌های اجتماعی افراد در یک نقش خاص را تبیین می‌کند. از این رهگذر اعضای جامعه با کنش و گفتار خود می‌توانند الگوهای نقش جنسیتی را در فرایند جامعه‌پذیری به فرد منتقل نمایند. نکته مهم در اینجا، آن است که آیا یادگیری نقش جنسیتی دختران در گرایش به ورزش و فعالیت فیزیکی نقش دارد یا خیر؟ (الیوت^۳ و همکاران، ۲۰۲۰).

تحلیل‌های مختلف نشان داده است که مشارکت ورزشی، مانند سایر پدیده‌های اجتماعی، مبتنی بر پیش شرط‌ها، ارزش‌ها، هنجارها و عادات فرهنگی است. به عبارت دیگر، از نظر فرهنگی کدگذاری شده است. از این رو، مشارکت ورزشی در نهایت تحت تاثیر فرایندی ذهنی است که در آن هنجارها و ارزش‌ها را می‌توان به روش‌های بسیار متفاوتی تفسیر کرد (استودر^۴ و همکاران، ۲۰۱۱). اتصال به چارچوب‌های فرهنگی منجر به شکل‌گیری یک سرمایه اجتماعی خاص می‌شود. از نظر بوردیو سرمایه اجتماعی در حوزه روابط اجتماعی وجود دارد و شامل تعهدات اجتماعی ناشی از این روابط است. به طور خاص، سرمایه اجتماعی مجموعه منابعی است که به عضویت در یک گروه خاص گره خورده است. خود گروه این منابع را فراهم می‌کند، و آنها به عنوان اعتبار و منابع عمل می‌کنند (بوردیو^۵، ۱۹۸۶). این منابع مبادله می‌شوند و با مبادله، روابطی را که در گروه وجود دارد، تقویت می‌کنند. از آنجایی که سرمایه اجتماعی مجموعه منابعی است که به عضویت در یک گروه خاص مرتبط است، این منبع می‌تواند در هر شبکه‌ای و از طریق پیوندها و عضویت‌هایی که افراد در آنجا دارند، تکثیر شود (بوردیو، ۱۹۸۶). از نظر بوردیو "بازتولید سرمایه اجتماعی مستلزم تلاشی بی‌وقفه برای جامعه‌پذیری است. این کار

¹ Huang

² Pape

³ Elliott

⁴ Studer

⁵ Bourdieu

سودآور یا حتی قابل تصور نیست مگر اینکه فردی روی یک شایستگی خاص سرمایه‌گذاری کند و تمایل برای کسب این شایستگی که خود جزء لاینفک این سرمایه است را از خود نشان دهد" (بورديو، ۱۹۸۶: ۲۵۰). تعریف بورديو از سرمایه اجتماعی نشان می‌دهد که این سرمایه دو عنصر دارد: نخست روابط اجتماعی که افراد را قادر به دستیابی به منابعی می‌کند که دیگران یعنی هم‌گروه هایش صاحب آنها نیستند و دوم مقدار و کیفیت منابعی که حاصل فرد می‌شود. سرمایه اجتماعی این امکان را برای فرد فراهم می‌آورد تا به منابعی مانند اطلاعات، فرصت‌های اقتصادی و آموزشی دست یابد. در این راستا متوجه می‌شویم که سرمایه اجتماعی طی چه فرایند پیچیده‌ای می‌تواند روی مشارکت ورزشی اعضای جامعه اثر بگذارد.

پاتنام از سرمایه اجتماعی به عنوان "ارتباطات بین افراد - شبکه‌های اجتماعی و هنجارهای متقابل و قابل اعتمادی که از آنها ناشی می‌شود" یاد می‌کند (پوتنام^۱، ۲۰۰۰). اعتماد اجتماعی یک عنصر کلیدی در مفهوم سازی پاتنام از سرمایه اجتماعی است. اعتماد اجتماعی به شبکه‌های اجتماعی خاص متشکل از افرادی که در تعامل هستند و یاد می‌گیرند به یکدیگر اعتماد کنند، گره خورده نیست. اعتماد اجتماعی نشان دهنده اعتمادی است که افراد نسبت به اعضای جامعه به طور کلی دارند. با این وجود، "اعتماد خاص" پیش نیاز "اعتماد اجتماعی" است. این انباشت تجربیات مثبت با افراد قابل اعتماد است که اعتماد اجتماعی را ایجاد می‌کند: «قابلیت اعتماد زندگی اجتماعی را روان می‌کند. تعامل مکرر با مجموعه متنوعی از افراد تمایل به ایجاد هنجار تعامل متقابل تعمیم یافته دارد (پاتنام، ۲۰۰۰: ۲۰). این باور که می‌توان به افراد دیگر اعتماد کرد، باعث می‌شود که ما تمایل کمتری به انجام اقدامات احتیاطی در هنگام همکاری داشته باشیم، در نتیجه هزینه‌های مبادله را به نفع افراد درگیر و به طور کلی برای جامعه کاهش می‌دهد (پوتنام، ۲۰). او استدلال می‌کند که شبکه‌هایی که سرمایه اجتماعی بالایی دارند، به ویژه برای جامعه مفید هستند، زیرا این شبکه‌ها در ایجاد اعتماد اجتماعی کارآمدترین هستند. بالا بودن میزان اعتماد اجتماعی باعث گسترش فعالیتهای ورزشی که در باشگاه‌ها، تیم‌ها و مکانهای عمومی انجام می‌شوند، می‌گردد. علاوه بر این هر چقدر عضویت افراد در مجموعه‌های ورزشی بیشتر باشد، احتمال گسترش اعتماد اجتماعی بیشتر است. در واقع رابطه اعتماد اجتماعی و فعالیت ورزشی در اماکن عمومی و باشگاه‌ها یک رابطه دو سویه است (رابینز^۲، ۲۰۱۷). بر این

¹ Putnam

² Robbins

اساس اعتماد اجتماعی به عنوان عامل زمینه ساز تشکیل شبکه‌های ورزشی می‌تواند به افزایش یا کاهش مشارکت ورزشی فرد منجر شود (تونیکس، ۱۳۸۸). شبکه‌های اجتماعی یا گروه‌های متشکلی از مردم می‌توانند از طریق مکانیسم‌های مختلفی مشارکت ورزشی دختران جوان را تحت تاثیر قرار دهند. یکی از این مکانیسم‌ها حمایت اجتماعی است که از طرف دیگران مهم (دوستان، خانواده، اولیای مدرسه) ارائه می‌شود. حمایت اجتماعی می‌تواند به شکل حمایت عاطفی باشد (به عنوان مثال، تشویق، تمجید)، یا حمایت ابزاری (به عنوان مثال، پشتیبانی لجستیک)، یا حمایت اطلاعاتی (به عنوان مثال، آموزش)، یا همکاری (به عنوان مثال، تعامل در یک کار مشترک) (شریدان^۱ و همکاران، ۲۰۱۴). تحقیقات نشان داده اند اثر حمایت دوستان بر مشارکت ورزشی با اثر حمایت خانواده متفاوت است (شن^۲ و همکاران، ۲۰۱۸). برخی تحقیقات نشان داده اند، حمایت اجتماعی از طریق افزایش خودکارآمدی و اعتماد به نفس یا از طریق غلبه بر موانع ورزش کردن مانند کمبود وقت، کمبود بودجه، لذت نبردن و تنهایی، می‌تواند به افزایش مشارکت ورزشی کمک کند (ورلوجن^۳ و همکاران، ۲۰۱۴).

یکی دیگر از عواملی که هر نوع مشارکت زنان در عرصه اجتماع را متاثر می‌سازد احساس امنیت اجتماعی است. احساس امنیت در محیط‌های باز و بسته ورزشی، احساس امنیت از سوی هم گروه‌ها، مربیان و کادر باشگاه و غیره می‌تواند احتمال مشارکت ورزشی را افزایش دهد (مارا^۴ و همکاران، ۲۰۲۱). احساس امنیت در حین فعالیت ورزشی برای زنان می‌تواند در شکلهای مختلف ظاهر شود مثلاً: فقدان نگاه جنسی به زن، عدم ترس از تجاوز یا تهدید، راحتی در نوع پوشش و عدم وجود ترسهای روانی مثل تحقیر (احمد^۵ و همکاران، ۲۰۲۰).

امروزه در نظریه پردازی‌های جامعه شناختی توجه ویژه ای به بدن مبذول می‌شود. تصور از بدن یک ساختار چند بعدی است که شامل ادراکات مثبت یا منفی، احساسات، شناختها و رفتارهای مرتبط با ظاهر و عملکرد بدن است. تصویر منفی بدن، که اغلب به میزان نارضایتی فرد در مورد وزن یا شکل بدن خود مربوط می‌شود، با مشارکت کمتر در ورزش مرتبط است و به عنوان مانعی برای مشارکت دختران مورد بحث قرار گرفته است. برعکس، تصویر مثبت بدن، که اغلب به میزان قدردانی و رضایتی که فرد در مورد وزن یا شکل بدن خود احساس می‌کند مربوط

¹ Sheridan

² Shen

³ Verloigne

⁴ Mara

⁵ Ahmad

می‌شود با مشارکت بیشتر در ورزش مرتبط است (سابیستون^۱ و همکاران، ۲۰۱۹). از نظر دختران، خودآگاهی نسبت به ظاهر یکی از موانع مهم مشارکت در ورزش محسوب می‌شود (وانی^۲ و همکاران، ۲۰۲۰). توجه به بدن و مطلوبیت تصویر بدنی، زنان را بیشتر به سوی ورزش‌های مبتنی بر زیبا سازی سوق می‌دهد نه ورزش‌های رقابتی. همزمان زنان فعال در ورزش‌های مبتنی بر زیباسازی بیش از سایر زنان ورزشکار درگیر شرم از بدن هستند (لوند و گاتاریو^۳، ۲۰۱۷). با توجه به شواهدی مبنی بر اینکه تصویر بدن بر تجربیات ورزشی و میزان مشارکت تأثیر می‌گذارد، بررسی رابطه متغیر تصویر ذهنی از بدن با مشارکت ورزشی مهم است.

یکی از موانع مشارکت ورزشی جوانان، محدودیتهای مالی و ویژگی‌های اقتصادی است. جوانانی که سطح درآمد پایینی دارند علیرغم تمایل به ورزش کردن با مشکلات جدی در تامین وسایل، لباسها، هزینه باشگاه، تغذیه و احتمالا دارو مواجهند. از سوی دیگر ساعات کار طولانی و خستگی ناشی از کار یکی از موانع دیگر برای اعضای طبقات پایین اجتماعی محسوب می‌شود (ایم^۴ و همکاران، ۲۰۱۵). با توجه به وابستگی مالی بخش زیادی از زنان طبقات پایین، احتمالا موانع اقتصادی مشارکت ورزشی برای زنان جدی ترند.

با توجه به مباحث فوق از بین نظریه‌های جامعه شناختی و مطالعات پیشین متغیرهای سرمایه اجتماعی، حمایت اجتماعی، امنیت اجتماعی، جامعه پذیری ورزشی، تصور از بدن و هزینه‌های ورزشی به عنوان متغیرهای مستقل تحقیق مورد ارزیابی قرار گرفتند.

فرضیه‌های پژوهش

- به نظر می‌رسد بین جامعه پذیری و مشارکت ورزشی دختران دانشجو دانشگاه باهنر شهر کرمان رابطه معناداری وجود دارد.
- به نظر می‌رسد بین سرمایه اجتماعی و مشارکت ورزشی دختران دانشجو دانشگاه باهنر شهر کرمان رابطه معناداری وجود دارد.
- به نظر می‌رسد بین حمایت اجتماعی و مشارکت ورزشی دختران دانشجو دانشگاه باهنر شهر کرمان رابطه معناداری وجود دارد.

¹ Sabiston

² Vani

³ Lunde and Gattario

⁴ Eime

- به نظر می‌رسد بین احساس امنیت اجتماعی و مشارکت ورزشی دختران دانشجو دانشگاه باهنر شهر کرمان رابطه معناداری وجود دارد.
- به نظر می‌رسد بین تصور از بدن و مشارکت ورزشی دختران دانشجو دانشگاه باهنر شهر کرمان رابطه معناداری وجود دارد.
- به نظر می‌رسد بین هزینه‌های ورزشی و مشارکت ورزشی دختران دانشجو دانشگاه باهنر شهر کرمان رابطه معناداری وجود دارد.

روش پژوهش

تحقیق حاضر از نوع پیمایش است. جامعه آماری پژوهش شامل تمام دانشجویان دختر دانشگاه شهید باهنر شهر کرمان بوده است، که ۷۷۰۰ نفر بوده‌اند. در این تحقیق از روش نمونه‌گیری سهمیه‌ای استفاده شده است. سهمیه‌ها بر اساس مقاطع تحصیلی تعیین شد. تعداد کل نمونه‌ها ۳۸۱ نفر بود. در این تحقیق جهت گردآوری داده‌های مورد نیاز از تکنیک پرسشنامه استفاده شده است. برای سنجش هر متغیر ابتدا ابعاد متغیر تعیین شد و در مرحله بعد پس از تعیین شاخصهای هر بعد، گویه‌های متناسب طراحی شدند. برای تعیین روایی ابزار تحقیق، پرسشنامه مشارکت ورزشی به همراه اهداف در اختیار ۵ نفر از اساتید رشته علوم اجتماعی قرار داده شده تا میزان ارتباط هر سوال با اهداف مورد نظر را براساس یک طیف تعیین نمایند. برای تعیین پایایی ابزار از روش همسانی درونی استفاده شد جدول ۱ مقدار آلفای کرونباخ برای متغیرها را نشان می‌دهد.

جدول ۱. مقدار آلفای کرونباخ برای متغیرهای مستقل و وابسته

متغیر	تعداد گویه	ضریب آلفا کرونباخ
جامعه پذیری ورزشی	۱۶	۰/۹۰۵
سرمایه اجتماعی	۳	۰/۶۱۷
احساس امنیت	۸	۰/۸۴۰
حمایت اجتماعی	۲۱	۰/۷۸۰
مشارکت ورزشی	۱۵	۰/۸۶۹
تصور از بدن	۴	۰/۶۷۲
هزینه ورزش	۴	۰/۷۱۴

یافته‌های پژوهش

سیمای پاسخگویان

سن پاسخگویان در بازه ۱۸ تا ۴۰ سال قرار داشت و ۶۱,۷ درصد آنها در گروه سنی زیر ۲۵ سال قرار داشتند. بیشترین فراوانی متعلق به دانشجویان کارشناسی است (۶۱,۲ درصد). نزدیک به یک سوم پاسخگویان متاهل و بقیه مجرد هستند. از کل دانشجویان بررسی شده، ۳۲,۵ درصد شاغل و بقیه غیرشاغل بوده اند.

مشارکت، جامعه پذیری و حمایت اجتماعی ورزشی

مشارکت ورزشی در سه بعد سنجیده شد: الف. مشارکت در ورزشهای همگانی (ورزشهای غیر منظم و خود جوش گروهی و غیر رقابتی اغلب بدون هزینه) که با گویههایی نظیر، فعالیت در پارکها و فضای باز، کوهپیمایی یا پیاده روی و ورزش در خانه سنجیده شده است. ب. مشارکت در ورزشهای حرفه ای (فعالیت‌های جسمانی که بر پایه قوانین رسمی با هدف کسب ورزیدگی انجام می‌شود) که با گویههایی نظیر ورزشهای فردی و گروهی در باشگاه یا کلاسهای ورزشی، پرداخت حق عضویت و حضور در جلسات منظم در طول هفته یا ماه سنجیده شده است. ج. مشارکت در ورزشهای قهرمانی (ورزشهای رقابتی و سازمان یافته ای برپایه قوانین خاص و کسب رتبه یا مدال) با گویه‌های حضور در تیم‌های ورزشی باشگاهی، شهر، استان، دانشگاه یا کشور سنجیده شده است. یک فرد می‌تواند به صورت همزمان هر سه نوع مشارکت را داشته باشد.

نتایج نشان داد که ۵۱/۴ درصد دانشجویان مورد مطالعه مشارکت ورزشی قهرمانی متوسطی داشته اند، ۴۷/۲ مشارکت ورزشی همگانی متوسطی داشته اند و ۴۵/۴ درصد، مشارکت ورزشی (حرفه ای) پایینی داشته اند.

جامعه پذیری ورزشی در چهار بعد خانواده، دوستان، مدرسه و رسانه مورد سنجش قرار گرفت. جامعه پذیری ورزشی در خانواده با ۴ گویه ورزش کردن اعضای خانواده، تشویق فرد به ورزش، تاکید بر فایده ورزش و پیگیری رخدادهای ورزشی در خانواده سنجیده شده است. جامعه پذیری از طریق دوستان با سه گویه همراهی دوستان در ورزش، تشویق دوستان و الگوگیری از دوستان سنجیده شده است. جامعه پذیری ورزشی در مدرسه با هدف ارزیابی تاثیرات دیرپای مدرسه بر زندگی افراد با ۵ گویه جذابیت و کیفیت ساعات درس ورزش، تشویق اولیای مدرسه، هزینه کردن مدرسه برای ورزش و داشتن تیم‌های ورزشی سنجیده شد.

برای ارزیابی جامعه پذیری ورزشی از طریق رسانه از ۵ گویه در مورد استفاده از محتوای ورزشی تلویزیون، اینترنت و شبکه‌های اجتماعی، پی‌گیری رخدادهای ورزشی در رسانه و دنبال کردن مسابقات ورزشی زنان از رسانه استفاده شد. نتایج نشان داد که دانشجویان از نظر جامعه‌پذیری ورزشی در خانواده وضعیت متوسطی داشته‌اند. ۴۸/۸ درصد دانشجویان نمره پایینی در جامعه‌پذیری ورزشی از طریق دوستان کسب کرده‌اند و فقط ۲۵/۵ درصد آنها در این بعد از جامعه‌پذیری نمره بالایی داشته‌اند. نمره ۵۳/۵ درصد دانشجویان از جامعه‌پذیری ورزشی در مدرسه در حد متوسط بوده است. از نظر جامعه‌پذیری ورزشی از طریق رسانه ۴۳/۶ درصد دانشجویان در سطح بالایی قرار دارند.

حمایت اجتماعی ورزشی در ابعاد عاطفی، اطلاعاتی و کالایی و خدماتی سنجش شد. حمایت عاطفی ورزشی با گویه‌هایی در مورد نقش خانواده و دوستان در پذیرش محدودیتهای خود در پیشرفت ورزشی، در نظر گرفتن خستگی و محدودیتهای فیزیکی فرد پس از ورزش، ابراز خشنودی از ورزش کردن فرد سنجیده شده است. گویه‌هایی که برای ارزیابی حمایت اطلاعاتی ورزشی در نظر گرفته شدند، شامل اموری مانند ردو بدل کردن اطلاعات مفید ورزشی چه در حوزه رخدادهای ورزشی چه در حوزه فواید ورزش با خانواده، دوستان و افراد متخصص بود. نتایج نشان داد که ۵۹/۶ درصد پاسخگویان حمایت عاطفی بالایی را تجربه کرده‌اند، ۴۷ درصد آنها حمایت اطلاعاتی متوسطی داشته‌اند و ۵۴/۴ درصد آنها حمایت کالایی و خدماتی متوسطی دریافت کرده بودند.

آزمون فرضیه‌های پژوهش

بر اساس نتایج جدول ۲، بین متغیر سرمایه اجتماعی و میزان مشارکت ورزشی دانشجویان دختر ($r = 0/674$) رابطه‌ای قوی و مثبت وجود دارد. میزان مشارکت ورزشی در بین دخترانی که از سرمایه اجتماعی بیشتری برخوردار هستند بیشتر است. متغیر حمایت اجتماعی نیز با میزان مشارکت ورزشی دانشجویان دختر ($r = 0/694$) یک رابطه قوی و مثبت دارد. همچنان که مشاهده می‌شود جامعه‌پذیری ورزشی و هزینه‌های ورزشی نیز با میزان مشارکت ورزشی دانشجویان دختر رابطه معنادار و مثبت دارند. متغیر تصور از بدن و میزان مشارکت ورزشی دانشجویان دختر ($r = 0/266$) نیز با هم رابطه معنادار و مثبت دارند.

جدول ۲. رابطه متغیرهای مستقل تحقیق با متغیر وابسته

ضریب همبستگی پیرسون		متغیرهای مستقل
Sig	مقدار	
*۰,۰۰۰	۰,۶۷۴	سرمایه اجتماعی
۰/۱۷۳	-۰/۰۷۰	احساس امنیت
*۰,۰۰۰	۰/۶۹۴	حمایت اجتماعی
*۰,۰۰۰	۰/۷۲۴	جامعه پذیری
*۰,۰۰۰	۰/۶۹۰	هزینه‌های ورزشی
*۰,۰۰۰	۰/۲۶۶	تصور از بدن
۰/۴۴۳	-۰/۰۳۹	سن

بر اساس آزمون رابطه بین متغیر سن و میزان مشارکت ورزشی دانشجویان دختر، رابطه معناداری بین دو متغیر وجود ندارد. برای آزمون رابطه بین میزان مشارکت ورزشی دانشجویان و وضعیت تأهل پاسخگویان از آزمون تی استفاده گردید (جدول ۳).

جدول ۳. تفاوت میانگین مشارکت ورزشی در بین مجردین و متأهلین

معنی داری T	آماره T	آزمون Leven,s		متغیر وابسته
		Sig	F	
۰/۰۰۵	۲/۷۹۳	۰/۴۳۲	۰/۶۱۸	با فرض برابری واریانس‌ها
۰/۰۰۴	۲/۸۸۱	-	-	بدون فرض برابری واریانس‌ها

مطابق جدول ۳ آزمون یکنواختی واریانس‌ها ($F= ۰/۶۱۸$) و معناداری آن ($Sig= ۰/۴۳۲$) بیانگر این مطلب است که واریانس نمونه‌ها در این پژوهش با یکدیگر برابر می‌باشند. داده‌های به دست آمده در ردیف فرض برابری واریانس‌ها و معناداری آن نشان می‌دهد میانگین مشارکت ورزشی دانشجویان مورد مطالعه به تفکیک وضعیت تأهل آن‌ها تفاوت معناداری دارد ($۰/۰۰۵ = Sig$ ، $T = ۲/۷۹۳$). در نتیجه می‌توان گفت که مشارکت ورزشی در بین دو گروه مجرد و متأهل تفاوت معنی داری دارد. میزان مشارکت در بین دانشجویان مجرد بیشتر است.

جدول ۴. تفاوت میانگین مشارکت ورزشی در بین شاغلین و غیرشاغلین

معنی داری T	آماره T	آزمون Leaven's		متغیر وابسته
		Sig	F	
۰/۰۰۱	۳/۳۳۷	۰/۲۱۹	۱/۵۱۷	با فرض برابری واریانس ها
۰/۰۰۱	۳/۳۲۴	-	-	بدون فرض برابری واریانس ها

برای آزمون رابطه بین میزان مشارکت ورزشی دانشجویان و وضعیت اشتغال پاسخگویان از آزمون تی استفاده گردید. مطابق جدول ۴، آزمون یکنواختی واریانس ها ($F=1/517$) و معناداری آن ($Sig= 0/219$) بیانگر این مطلب است که واریانس نمونه‌ها در این پژوهش با یکدیگر برابر می‌باشند. داده‌های به دست آمده در ردیف فرض برابری واریانس ها و معناداری آن نشان می‌دهد بین میانگین مشارکت ورزشی دانشجویان مورد مطالعه به تفکیک وضعیت اشتغال آن‌ها تفاوت معناداری وجود دارد ($T = 3/337$ ، $Sig = 0/001$). در نتیجه می‌توان گفت که مشارکت ورزشی در بین دو گروه شاغل و غیرشاغل تفاوت معنی داری دارد (جدول شماره ۴) میزان مشارکت ورزشی در بین گروه غیر شاغل بیشتر است.

جدول ۵. آزمون تحلیل واریانس یک طرفه (F) مشارکت ورزشی دانشجویان و مقطع تحصیلی

منبع تغییرات	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	آماره F	سطح معنی داری
بین گروه ها	۷/۰۴۷	۲	۳/۵۲۳	۴/۲۸۶	۰/۰۱۴
دورن گروه ها	۳۱۰/۷۳۹	۳۷۸	۰/۸۲۲		
کل	۳۱۷/۷۸۵	۳۸۰	-		

برای آزمون معناداری رابطه بین مشارکت ورزشی دانشجویان و مقطع تحصیلی از آزمون تحلیل واریانس یک طرفه استفاده شد. مقدار F حاصل از آزمون واریانس ۴/۲۸۶ می‌باشد. با توجه به سطح معناداری به دست آمده می‌توان گفت که مشارکت ورزشی در بین سه گروه کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری تفاوت معنی داری دارد (جدول ۵). میزان مشارکت ورزشی در بین دانشجویان شاغل به تحصیل در مقطع کارشناسی بیشتر است.

تحلیل رگرسیون چند متغیره

برای مطالعه تأثیر هم زمان متغیرهای مستقل بر روی متغیر وابسته از تحلیل رگرسیون چندمتغیره استفاده شد. در این تحقیق از روش هم زمان (Enter) استفاده شد.

همانطور که در جدول شماره ۶ ملاحظه می‌شود با توجه به مقدار ضریب همبستگی چندگانه می‌توان گفت که ۷۰ درصد تغییرات متغیر وابسته توسط متغیرهای مستقل (سرمایه اجتماعی، حمایت اجتماعی، جامعه پذیری، هزینه‌های ورزشی) پیش بینی می‌شود.

جدول ۶. نقش متغیرهای مستقل در تبیین متغیر وابسته (مشارکت ورزشی)

ضریب همبستگی چندگانه	ضریب تعیین	ضریب تعیین تعدیل یافته	انحراف استاندارد
۰/۸۴۳	۰/۷۱۱	۰/۷۰۵	۰/۴۹۶

متغیرها	B	انحراف استاندارد	بتا	T	Sig
سرمایه اجتماعی	۰/۴۲۰	۰/۰۳۵	۰/۲۵۷	۶/۷۹۸	۰/۰۰۰
جامعه پذیری	۰/۳۲۱	۰/۰۴۷	۰/۲۴۸	۰/۷۶۳	۰/۰۰۰
هزینه‌های ورزشی	۰/۲۱۵	۰/۰۳۵	۰/۲۴۳	۰/۰۷۹	۰/۰۰۰
حمایت اجتماعی	۰/۲۱۱	۰/۰۶۳	۰/۱۴۸	۰/۳۶۶	۰/۰۰۱
تصور از بدن	۰/۱۳۳	۰/۰۵۴	۰/۰۷۳	۲/۴۵۴	۰/۰۱
وضعیت تأهل	-۰/۱۳۲	۰/۰۵۶	-۰/۰۶۷	-۲/۳۷۱	۰/۰۱
وضعیت اشتغال	-۰/۱۰۹	۰/۰۵۳	-۰/۰۵۹	-۲/۰۵۴	۰/۰۴

با توجه به مقادیر بتا متغیر مستقل سرمایه اجتماعی با $(\text{Beta} = 0/257)$ مهمترین متغیر اثرگذار بر مشارکت ورزشی دانشجویان دختر است. پس از آن بیشترین تأثیر بر مشارکت ورزشی دانشجویان دختر را به ترتیب متغیر جامعه پذیری $(\text{Beta} = 0/248)$ ، هزینه‌های ورزشی $(\text{Beta} = 0/243)$ و حمایت اجتماعی $(\text{Beta} = 0/148)$ دارند. متغیرهای تصور از بدن، وضعیت تأهل و وضعیت اشتغال در مراحل بعدی تاثیرگذاری قرار دارند.

بحث و نتیجه گیری

نتایج این تحقیق نشان داد که مشارکت ورزشی دانشجویان دختر مورد مطالعه، سطح متوسط است. در بین انواع مشارکت ورزشی، مشارکت ورزشی همگانی و قهرمانی بیشتر از مشارکت ورزشی حرفه ای مورد توجه بوده اند. مشارکت ورزشی دختران دانشجو با برخی عوامل اجتماعی مورد نظر در تحقیق رابطه معنی دار دارد. سرمایه اجتماعی بیشترین تأثیر را بر روی تغییرات متغیر مشارکت ورزشی داشته است. تحقیقات پیشین هم این نتیجه را تایید می‌کنند. منوچهری

نژاد و همکاران (۱۳۹۴) نشان دادند که ابعاد مختلف سرمایه اجتماعی با میزان مشارکت ورزشی دختران و پسران جوان رابطه معنی دار دارد. البته به طور مشخص برخی ابعاد با مشارکت ورزشی دختران رابطه قوی تر داشته است. پارسا مهر و همکاران (۱۳۹۶) در تحقیقی به این نتیجه رسیدند که سرمایه اجتماعی و مؤلفه‌های عمده آن توانسته اند بیش از ۱۵ درصد از تغییرات مشارکت ورزشی را تبیین نمایند.

جامعه پذیری فرد از طریق عاملان جامعه پذیری تاثیر مستقیمی بر مشارکت ورزشی دختران دانشجوی دانشگاه شهید باهنر کرمان داشت. شمسی و همکاران (۱۳۹۴) در تحقیق خود به این نتیجه رسیدند که متغیرهای خانواده، دوستان و همسالان با مشارکت ورزشی جوانان دارای رابطه معناداری است. شفیع و همکاران (۱۳۹۵) نیز نشان دادند که جامعه پذیری اثری تعیین کننده برای مشارکت ورزشی داشته است. در تحلیل تاثیرات سرمایه اجتماعی و جامعه پذیری باید به نظریه بورديو رجوع کرد. از نظر وی سرمایه اجتماعی در بستری از روابط اجتماعی و تعهدات متقابل، عضویت گروهی مجموعه بی بدیلی از امکانات اجتماعی را در اختیار افراد می‌گذارد. روابط اجتماعی مستحکم، متعهدانه و تاثیر گذار می‌تواند بستر مناسبی برای انتقال ارزشها، هنجارها، الگوهای رفتاری و شیوه‌های کنش فراهم آورد. از این منظر با اتکا به یافته‌های تحقیق حاضر می‌توان ادعا، احتمالاً دانشجویان موردنظر را در روابط متناسب و عمیقی با افرادی که حداقل دیدگاه مثبت یا عملکرد مثبتی در خصوص ورزش دارند قرار گرفته اند. اتصال به چنین افراد و گروه‌هایی زمینه را برای اشتراک، انتقال و یادگیری ارزشها و هنجارها و الگوی رفتار ورزشی فراهم می‌کند. از این رو مشاهده می‌کنیم که در تحلیل رگرسیونی سرمایه اجتماعی و جامعه‌پذیری که ارتباط نظری نزدیکی با هم دارند، نقش مهمی در تعیین میزان مشارکت ورزشی داشته‌اند.

یافته‌های تحقیق نشان داد که هزینه‌های ورزشی و تعهد به پرداخت آنها تعیین کننده بخشی از تغییرات مشارکت ورزشی بوده است. طبق نظریه اقتصاد خانوار هر نوع فعالیت غیر تجاری و غیر مالی حتماً از شرایط مالی و میزان هزینه‌ها و سرمایه‌گذاری مالی تاثیر می‌پذیرد. از این منظر مشارکت ورزشی که ارتباط قوی و نسبتاً مستقیمی با اوقات فراغت دارد متاثر از هزینه‌های اقتصادی فرد برای اوقات فراغت می‌باشد. لذا مشاهده می‌شود که خانواده‌ها و افرادی که توانایی بیشتر برای اوقات فراغت و ورزش را دارند، مشارکت ورزشی بیشتری را هم تجربه می‌کنند.

حمایت اجتماعی دریافتی دختران جوان در عرصه‌های مختلف با میزان مشارکت ورزشی آنان رابطه معنی دار داشت در تحقیق عریضی و همکاران (۱۳۸۵) نیز مشخص شد که چهار متغیر

ورزش کردن اعضای خانواده، ورزش کردن دوستان، درآمد و سودمندی ورزش در مرحله اول و حمایت اجتماعی، در تعیین میزان مشارکت زنان در فعالیتهای ورزشی موثر بوده اند. در مطالعه حاضر نیز، بر اساس نتایج تحلیل رگرسیون چند متغیره مشخص شد که حمایت اجتماعی یکی از متغیرهای مهم است که نقش قابل توجهی در تغییرات مشارکت ورزشی بر عهده دارد. فتحی (۱۳۸۸) هم به نتیجه مشابهی در مورد تاثیر حمایت اجتماعی دست یافت. دریافت حمایت اجتماعی یکی از پیامدهای عضویت گروهی و روابط اجتماعی قوی است. شبکه‌های اجتماعی یا گروه‌های عضویتی می‌توانند از طریق مکانیسم‌های مختلفی مشارکت ورزشی را تغییر دهند. حمایت اجتماعی دریافتی از دیگران مهم یکی از این مکانیسم‌هاست. حمایت عاطفی به شکل تقویت اعتماد به نفس، حمایت مالی و اقتصادی در قالب پرداخت هزینه‌ها یا تسهیل دسترسی به امکانات ورزشی و حمایت اجتماعی کلی در قالب همفهمی ضروری بودن ورزش برای یک زن جوان به افزایش مشارکت ورزشی کمک کرده است. اگر در یک چشم انداز وسیع تر مساله حمایت اجتماعی را بررسی کنیم، متوجه ارتباط و در هم تنیدگی نظری و عملی آن با مفاهیم سرمایه اجتماعی و جامعه پذیری می‌شویم.

در بین دختران دانشجوی مورد مطالعه، کسانی که تصویر ذهنی بهتری از بدن خود داشتند بیش از دیگران مشارکت ورزشی داشتند. برخی محققان به این نتیجه رسیدند که افراد فعال نسبت به گروههای دیگر، نارضایتی کمتری از بدن داشتند. نتایج تحقیق نوروزی و همکاران (۱۳۹۷) نشان داد متغیر تصویر بدن تا ۰/۵۶ از واریانس مشارکت ورزشی زنان را تبیین می‌کنند. تصور از بدن یک سازه چند بعدی است که ادراک و احساس فرد از بدن را نشان می‌دهد. تصویر منفی بدن، نشان دهنده ادراک و احساس منفی نسبت به شکل بدن خود است. تصور منفی از بدن با مشارکت ورزشی کمتر ارتباط دارد زیرا احتمالاً افرادی که خود را بد شکل می‌دانند نمی‌خواهند در مجامع خصوصاً محیط‌های ورزشی حاضر شوند. (سابیستون و همکاران، ۲۰۱۹) ترس از قضاوت دیگران، هراس از چاقی ستیزی رایج در جامعه و عدم اعتماد به نفس و تزلزل ناشی از احساس بدفرمی بدن باعث حضور کمتر در عرصه ورزش می‌شود. (سابیستون و همکاران، ۲۰۱۹) رابطه مثبت و مستقیم متغیر تصویر بدنی و مشارکت ورزشی در تحقیق حاضر نشان می‌دهد هر چه قدر تصویر بدنی بهتر بوده، مشارکت ورزشی هم بیشتر بوده است که تایید گفته‌های قبلی در این باره است.

نتایج این تحقیق در راستای تحقیقات گذشته نشان داد که عوامل اجتماعی یعنی سرمایه اجتماعی، حمایت اجتماعی، و جامعه پذیری ورزشی در کنار عامل اقتصادی یعنی هزینه‌های ورزشی تا حد زیادی می‌توانند تغییرات مشارکت ورزشی را تبیین نمایند. در کنار عوامل فوق عامل روانشناختی اجتماعی یعنی تصور از بدن هم بررسی شد که این عامل هم با مشارکت ورزشی رابطه معنی داری داشت. به نظر می‌رسد یک مدل ترکیبی از عوامل اجتماعی، روانشناختی اجتماعی و اقتصادی تبیین کننده مناسبی برای مشارکت ورزشی است که در تحقیقات قبلی مورد توجه قرار نگرفته بود.

به طور خلاصه می‌توان گفت که میزان سرمایه اجتماعی بالاتر که نشان دهنده اتصالات اجتماعی بیشتر است. جامعه پذیری توسط کارگزاران جامعه پذیری خصوصا خانواده و دوستان و رسانه، حمایت اجتماعی همه جانبه از سوی شبکه اجتماعی، رضایت بیشتر از بدن و تصور از بدن بهتر و توانایی و تمایل به هزینه کردن در امر ورزش مهم ترین عوامل تاثیر گذار بر میزان مشارکت ورزشی دختران مورد مطالعه بود. لذا سیاستگذاران و برنامه ریزان در کنار تامین زیرساختهای ورزشی برای دختران باید از طریق مداخله فرهنگی و آگاه سازی زمینه را برای مشارکت بیشتر دختران در فعالیتهای بدنی فراهم کنند.

تاکید بر جلوگیری از فرسایش سرمایه اجتماعی در تمام سطوح، تغییر دیدگاهها و نگرشهای والدین، اعضای خانواده، معلمان و اساتید دانشگاه به عنوان عوامل جامعه پذیری از اهمیت ویژه برخوردار است. آگاه سازی خانواده‌هایی که توانایی مالی کافی دارند نسبت به لزوم هزینه کرد در ورزش فرزندان خصوصا دختران بسیار مهم است. خانواده ها، مدارس و رسانه‌ها باید حمایت از ورزش دختران را یکی از اولویتهای خود قرار دهند. اصلاح دیدگاه و نگرش دختران نسبت به بدن خود که باعث افزایش اعتماد به نفس آنها می‌شود یکی از راه‌های موثر برای ترغیب دختران به ورزش است زیرا گاهی دیدگاه‌های منفی نسبت به بدن مانع فعالیت ورزشی و انزجار از هر نوع حضور در اماکن ورزشی می‌شود. افزایش مشارکت ورزشی دختران فقط به عوامل فردی بستگی ندارد بلکه نیاز به تغییر رویکرد همه جانبه جامعه نسبت به این امر دارد.

منابع

- احمدی، سیروس و کارگر، سعید (۱۳۹۲). "بررسی نگرش زنان به مشارکت ورزشی و عوامل اجتماعی-روانی مؤثر بر آن"، *جامعه‌شناسی کاربردی*، ۲۴، ۴: ۲۱۰-۱۸۹.
- پارسامهر، مهربان؛ نیک نژاد، محمدرضا و رسولی نژاد، سیدپویا (۱۳۹۶). "تبیین نقش سرمایه اجتماعی در توسعه مشارکت ورزشی جوانان (مطالعه موردی: شهر یزد)"، *مطالعات مدیریت ورزشی*، ۴۲، ۹: ۳۸-۱۷.
- تونیکس، فرانک (۱۳۸۸). *اعتماد و سرمایه اجتماعی*، ترجمه محمد تقی دلفروز، تهران: پژوهشکده مطالعات اجتماعی و فرهنگی.
- شفیعی، شهرام؛ برومند، محمدرضا؛ هژبری، کاظم و سلخی، سهیل (۱۳۹۵). "رابطه بین برخی از عوامل جامعه‌پذیری با رشد مشارکت ورزشی جوانان"، *مطالعات میان رشته‌ای در علوم انسانی*، ۳۱: ۱۲۶-۱۱۳.
- شمسی، عبدالحمید؛ سلطان حسینی، محمد و روحانی، میثم (۱۳۹۴). "تبیین نقش عوامل جامعه‌پذیری در توسعه مشارکت ورزشی جوانان (مطالعه موردی: شهر اصفهان)"، *مطالعات مدیریت ورزشی*، ۲۸، ۷: ۷۱-۸۸.
- ضیاءپور، آرش و کیانی پور، ندا (۱۳۹۱). "تاثیر الگوهای مشارکت در فعالیتهای ورزشی: مطالعه تجربی دانشجویان دانشگاه آزاد شهر کرمانشاه" *مطالعات جامعه‌شناختی جوانان*، ۶: ۱۰۸-۹۱.
- عریضی، فروغ؛ وحید، فریدون و پارسامهر، مهربان (۱۳۸۵). "بررسی تاثیر حمایت اجتماعی بر مشارکت زنان در فعالیتهای ورزشی، مطالعه موردی زنان استان مازندران"، *المیخک*، ۱: ۳۴، ۸۰-۷۱.
- فتحی، سروش (۱۳۸۸). "تبیین جامعه‌شناختی مشارکت ورزشی دانشجویان"، *پژوهش نامه علوم اجتماعی*، ۳، ۴: ۱۷۲-۱۴۵.
- منوچهری نژاد، محسن؛ همتی نژاد، مهرعلی و رحمتی، محمد مهدی (۱۳۹۴). "رابطه سرمایه اجتماعی خانواده و مشارکت ورزشی دانش آموزان دختر"، *فصلنامه مدیریت شهری*، ۳: ۲۵۷-۲۴۷.
- موسوی، سیدجعفر؛ اسلامی مرزنکلاته، محمدمهدی و خوش فر، غلامرضا (۱۳۹۳). "بررسی رابطه اعتماد اجتماعی و مشارکت ورزشی زنان در جامعه شهری ایران. مطالعه موردی شهر گرگان"، *آمایش جغرافیایی فضا*، ۴: ۶۲، ۶۲-۴۱.
- نقدی، اسداله؛ بلالی، اسماعیل و ایمانی، پروین (۱۳۹۰). "موانع فرهنگی-اجتماعی مشارکت زنان در فعالیتهای ورزشی"، *زن در توسعه و سیاست*، ۵: ۳۲، ۱۶۴-۱۴۷.
- نورعلی وند، علی؛ ملکی، امیر؛ پارسامهر، مهربان و قاسمی، حمید (۱۳۹۵). "بررسی نقش سرمایه اجتماعی در تبیین مشارکت ورزشی (مورد مطالعه: زنان استان ایلام)"، *مطالعات توسعه اجتماعی-فرهنگی*، ۳، ۵: ۱۴۹-۱۲۷.

- نوروزی، علی؛ ملکی، امیر و قاسمی، حمید (۱۳۹۷). "بررسی تاثیر تصویر بدن و مدیریت بر مشارکت ورزشی زنان شهر ایلام"، *مجله جامعه شناسی کاربردی*، ۲۹، ۴: ۹۹-۱۲۲.
- وحیدا، فریدون و عریضی، فروغ (۱۳۸۵). "بررسی تاثیر حمایت اجتماعی بر مشارکت زنان در فعالیت‌های ورزشی:: مطالعه موردی استان مازندران"، *فصلنامه علوم حرکتی*، ۷: ۶۲-۵۳.
- Ahmad, N; Thorpe, H; Richards, J; Marfell, A (2020). "Building cultural diversity in sport: A critical dialogue with Muslim women and sports facilitators", *International Journal of Sport Policy and Politics*, 12, 4: 637-653.
- Birchwood, D; Roberts, K; Pollock, G (2008). "Explaining differences in sport participation rates among young adults: Evidence from the South Caucasus", *European Physical Education Review*, 14,3: 283-298.
- Bourdieu, P. (1978). "Sport and social class", *Social Science Information*, 17: 819 -840.
- Carballo-Fazanes, A; Rico-Díaz, J; Barcala-Furelos, R; Rey, E; Rodríguez-Fernández, J; Varela-Casal, C; Abelairas-Gómez, C (2020). "Physical Activity Habits and Determinants, Sedentary Behaviour and Lifestyle in University Students", *International journal of environmental research and public health*, 17, 9: 32-72.
- Chaabane, S; Chaabna, K; Doraiswamy, S; Mamtani, R; Cheema, S (2021). "Barriers and Facilitators Associated with Physical Activity in the Middle East and North Africa Region: A Systematic Overview", *International journal of environmental research and public health*, 18, 4: 16-47.
- Eime, R; Charity, M; Harvey, J (2015). "Participation in sport and physical activity: associations with socio-economic status and geographical remoteness", *BMC Public Health*, 15: 434.
- Eime, R; Harvey, J; Charity, M; Westerbeek, H (2020). "Longitudinal Trends in Sport Participation and Retention of Women and Girls", *Frontiers in Sports and Active Living*, 2: 39-48.
- Elliott, S; Bevan, N.; Litchfield, C (2020). "Parents, girls' and Australian football: A constructivist grounded theory for attracting and retaining participation," *Qualitative Research in Sport, Exercise and Health*, 12, 3: 392-413.
- Hoy, W; Miskel, C (2008). *Educational administration: Theory, research, and practice*, New York: McGraw-Hill.
- Huang, H.; Liu, L; Chang, C; Hsieh, H; Lu, H (2019). "The Effects of Locus of Control, Agents of Socialization and Sport Socialization Situations on the Sports Participation of Women in Taiwan", *International journal of environmental research and public health*, 16,10: 18-41.
- Hull, R; Zaidell, L; Mileva, K; de Oliveira, R (2021). "This Girl Can, Can't She? Perspectives from exercise providers and participants on what factors influence participation", *Psychology of Sport and Exercise*, 57, 1: 56-72.
- Kilpatrick, M, Hebert, E, Bartholomew, J (2005). "College students' motivation for physical activity: Differentiating men's and women's motives for sport participation and exercise", *Journal of American College Health*, 54, 2: 87_94.
- Laar, R; Zhang, J.; Yu, T.; Qi, H.; Ashraf, M (2018). "Constraints to women's participation in sports: a study of participation of Pakistani female students in physical activities", *International Journal of Sport Policy and Politics*, 11: 385 - 397.

- Lunde, C; Gattario, K (2017).” Performance or appearance? Young female sport participants’ body negotiations”, *Body Image*, 21: 81–89.
- Mara, S; Risto, M; Sharon, P (2021). “Marginalized girls’ gendered experiences within a constructivist afterschool program “, *Sport, Education and Society*, 26, 6: 579-591.
- Marsh, A; Zavilla, S; Acuna, K; Poczwadowski, A (2015). “Perception of purpose and parental involvement in competitive youth sport”, *Health Psychology Report*, 3: 13–23.
- Ogidan, R; Onifade, O; Ologele, I (2013). “Social Cultural Factors Influencing Women’s Participation in Sports as Perceived by Female Students of the University of Ilorin” , *Makerere journal of higher education*, 2,4:159-167.
- Park, S; Lee, C.; Kim, D; Park, J; Jang, D (2020).” A Developmental Model for Predicting Sport Participation among Female Korean College Students”, *International Journal of Environmental Research and Public Health*, 17, 4: 5010-5019.
- Pape, M (2020). “Gender Segregation and Trajectories of Organizational Change: The Underrepresentation of Women in Sports Leadership”, *Gender and Society*, 34, 1: 81-105.
- Putnam, R (2000). *Bowling Alone: The Collapse and Revival of American Community*, New York :Simon and Schuster.
- Richardson, J (1986). “The Forms of Capital”, In Pp. 241-258 *Handbook of Theory and Research for the Sociology of Education*, New York: Greenwood.
- Robbins, B (2017). “Status, identity, and ability in the formation of trust”, *Rationality and Society*, 29, 4: 408-448.
- Sáez, I; Solabarrieta, J; Rubio, I (2021). “Motivation for Physical Activity in University Students and Its Relation with Gender, Amount of Activities, and Sport Satisfaction”, *Sustainability*, 13: 31-83.
- Sabiston, C; Pila, E; Vani, M; Thogersen-Ntoumani, C (2019). “Body image, physical activity, and sport: A scoping review”, *Psychology of Sport and Exercise*, 42: 48-57.
- Sheridan, D; Coffee, P; Lavallee, D (2014). “A systematic review of social support in youth sport”, *International Review of Sport and Exercise Psychology*, 7, 1: 198–228.
- Shen, B; Centeio,; Garn, A; Martin, J; Kulik, N; Somers, C ; McCaughtry, N (2018). “Parental social support, perceived competence and enjoyment in school physical activity”, *Journal of Sport and Health Science*, 7, 3: 346–352.
- Studer, F; Schlesinger, T; Engel, C (2011). “Socio-economic and cultural determinants of sports participation in Switzerland from 2000 to 2008”, *European journal for sport and society*, 8, 3: 147-166.
- Vani, M; Pila, E; Willson, E; Sabiston, C (2020). “Body-related embarrassment: The overlooked self-conscious emotion”, *Body Image*, 32: 14-23.
- Wilson, T (2002). “The paradox of social class and sports involvement: The roles of cultural and economic capital”, *International Review for the Sociology of Sport*, 37: 5–16.
- Wilson, O; Colinear, C; Guthrie, D; Bopp, M (2022). “Gender differences in college student physical activity, and campus recreational facility use, and comfort”, *Journal of American college health*, 70, 5: 1315–1320.
- Verloigne, M; Veitch, J; Carver, A; Salmon, J; Cardon, G; De Bourdeaudhuij, I; Timperio, A (2014). “Exploring associations between parental and peer variables, personal variables and physical activity among adolescents: A mediation analysis”, *BMC Public Health*, 14: 966-953.